

فعالین :

(جنبش نجاتبخش مردم افغانستان) 8 مارچ 2009

8 مارچ رابحمايت از حقوق اساسی زنان وپشتیبانی از مبارزات انقلابی و مترقی آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع تجلیل می کنیم!

روز 8 مارچ سال 1875 میلادی زنان کارگرکارخانه های نساجی نیویورک به منظورافزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و حصول حق رأی دست به اعتراض و تظاهرات زده و مورد حمله وحشیانه پولیس قرار گرفتند. این روز یادآور مبارزات مترقی زنان زحمتکش بوده و تجلیل از آن حرکت مبارزه جویانه برای همه زحمتکشان جهان و بشریت مترقی اعم از زن و مرد، الزامی است. زنان بیحیث نیمی از پیکره جوامع انسانی در همه کشورهای جهان ستمدیده ترین و محروم ترین بخش جامعه را تشکیل میدهند. در تاریخ پیدایش جوامع انسانی باستانی دوران محدود مادر سالاری در جامعه بدوی، یعنی جامعه بدون طبقه و بهره کشی، دیگر در همه ادوار تاریخی ستم چندلایه بر زنان اعمال شده است.

"اولین تناقض طبقاتی که در تاریخ بوجود می آید مقارن باتکامل تناقض بین مرد و زن در ازدواج یکتاهمسری است. اولین ستم طبقاتی مقارن است با ستم جنس مذکر بر جنس مؤنث. گرچه یکتاهمسری یک پیشرفت عظیم تاریخی بود، ولی در عین حال همراه بابرده داری و ثروت خصوصی، عصری را آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد."

در جوامع طبقاتی که توده های خلق از ستم طبقاتی، ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شوونیستی رنج می کشند و از حقوق بنیادی خود محروم اند؛ زنان علاوه بر تحمل این ستم ها از ستم مردسالاری، تبعیض جنسیتی و محرومیت های اجتماعی و مدنی نیز به شدت رنج می کشند. در نظام های طبقاتی- مردسالارانه- ستم مرد بر زن- و محرومیت از حقوق- برابر با مرد-، جاویدانه شده است. از این رو تا زمانی که طبقات و جامعه طبقاتی وجود داشته باشد زنان به حقوق برابر با مردان نرسیده و از سلطه و ستم مرد رها نخواهند گردید. خلاصه همه ستم و تبعیضی که بر زن رواداشته می شود منشاء در ساختار اقتصادی اجتماعی جامعه و ستم طبقاتی دارد. همان طوریکه اولین ستم بر زن مقارن با ستم مرد بر زن و بایجاد مالکیت خصوصی و برده داری بود؛ رهائی کامل زن هم منوط به سرنگونی و نابودی نظام های طبقاتی و اعمار جامعه بدون طبقه و تکامل انسان به "انسانی نوین" است.

ستم بر زنان و سلب حقوق آنها در عرصه های مختلف حیات اجتماعی در جوامع و کشورهای مختلف به سویه ها و شدت های مختلفی صورت گرفته و می گیرد. در کشورهای سرمایه داری پیشرفته به اثر مبارزات طولانی نیروهای مترقی و توده های مردم؛ زنان تا حدودی به حقوق اجتماعی، مدنی و سیاسی شان دست یافته اند؛ اما هنوز هم از ستم طبقاتی و ستم مردسالاری رنج کشیده و در عرصه سیاسی و اجتماعی عملاً از موقعیت برابر با مردان برخوردار نیستند. در این کشورها استثمار زنان و بهره برداری ناجای از جنسیت زن در بازار تجارت سرمایه بشکل نهایت غیر انسانی و اهانت آمیز صورت می گیرد. در کشورهای سرمایه داری و در برخی از کشورهای تحت سلطه دولتها با مجاز شمردن تن فروشی زنان شرایطی را بوجود آورده اند که زنان زیادی باین ورطه کشیده شده و تن فروشی منحیث «منبع عاید» بر آنها تحمیل شده است. سالانه صدها هزار زن از کشورهای مختلف جهان عمدتاً از کشورهای جنوب شرق آسیا توسط باندهای معامله گریه شرافت، حیثیت و شخصیت زن با خدعه و نیرنگ به کشورهای اروپایی و سایر کشورهای سرمایه داری برده می شوند. بخش زیادی از این زنان به منظور دریافت کارورسیدن به زندگی بهتر فریب خورده و شکار این باندهای تبهکار شده و بعد به تن فروشی کشانده می شوند. هزاران تن از این زنان را در مراکز درجوار پایگاه های عساکر امریکائی و سایر کشورهای سرمایه داری در سراسر جهان جمع کرده و به فحشا کشانده اند. سالانه اقلام درشت چندده میلیارد دلاری از طریق پورنوگرافی و «صنعت سکس» بجیب کشورهای سرمایه داری و باندهای مافیائی مرتبط به آنها می ریزد. به همین لحاظ در کشورهای سرمایه داری ترویج بی بندوباری جنسی و فحشا به شیوه ها و طرق گوناگون بخشی از فرهنگ سرمایه داری را تشکیل داده و به منظور کسب سود صورت می گیرد.

در بازار کار نیز زنان مورد استثمار شدیدتر از مردان قرار می گیرند. در کشورهای تحت سلطه ملیونها زن در مزارع، باغها، فابریکه ها و کارخانه ها و در بخش صنایع دستی خاصاً کار شاقه و جانکاه در کارگاه های قالین بافی و کلم بافی مزد کمتر از مردان می گیرند. در این کشورها عمده ترین علل به فحشا کشانده شدن زنان- رافق و تنگدستی- وحشتناک خانواده ها- تشکیل میدهد. در جمهوری اسلامی ایران- با اثر گسترش فقر زنان- زیادی- مجبور به تن- فروشی- شده اند. شرم آورترینکه دولت اسلامی نیز در ترویج فحشا زمینه های رامساعد ساخته است از جمله تشویق به "صیغه" (مجوز شرعی برای فحشا) و تشکیل خانه های «عفاف».

در کشورهای اسلامی بر اساس احکام شریعت اسلام زنان از حقوق برابر با مردان محروم بوده و با استناد به آن و توسل به فرهنگ فئودالی و سنن خرافی حقوق انسانی آنها نیز به شدت پایمال می شود. از میراث والدین یک دختر نصف سهم اولاد پسر را مستحق می شود؛ زن بعد از وفات شوهر یک بر هشت قسمت از اموال آنرا نصیب می گردد؛ در محاکم شهادت دوزن برابر یک مرد است؛ در قانون دیت. اسلام "دیت" زن نصف "دیت" مرد است؛ اگر مردی زنی را بقتل برساند ورثه مقتول باید نصف "دیت"

مرد را بپردازد. تا "حکم- قصاص" بالای- مرد- قاتل- جاری- شود. همچنان- زنان- حداکثر از درخواست- حق- طلاق- محروم- اند بجز در حالات بسیار استثنائی نمی توانند در محاکم خواست طلاق کنند. سلب حق انتخاب همسر، ازدواج در سن صغارت بوسیله والدین و یا سایر اقارب (ولی) یکی از زشت ترین و ناروا ترین ستم های است که بر اطفال دختر اعمال می شود.

ستم بر زنان خاصاً در جوامع آسیائی، آفریقائی و امریکائی لاتین در همه عرصه ها به شدت اعمال می شود. در این کشورها نهادهای رسمی دفاع از حقوق زنان بسیار محدود است و یا وجود ندارند. شکایات زنان به سبب تجاوز و تعدی که بر آنها روا داشته می شود، کمتر شنیده شده و دادرسی واقعی صورت نمی گیرد. در هندوستان شدت ستم بر زنان بحدی است که سالانه هزاران زن خود را آتش میزند. "نتایج یک تحقیق نشان می دهد که آسیب دیدگی های ناشی از سوختگی دلیل اصلی مرگ زنان جوان هندی در مناطق شهری است. برخی از این موارد سوختگی از خشونت های خانوادگی ناشی می شود. این تحقیق که توسط مجله معتبر پزشکی "لنست" صورت گرفته نشان میدهد که تنها در طول یک سال بیش از صد هزار زن هندی قربانی حوادث مرتبط با آتش سوزی شده اند. طبق گزارش این مجله، آمار مرگ زنان هندی بر اثر سوختگی سه برابر مرگ مردان است. محققان گزارش شانرا بر مبنای آمار بیمارستان های پزشکی قانونی تهیه کرده اند. آنها می گویند تعداد زنانی که بر اثر خودسوزی، حوادث آتش سوزی در آشپزخانه ها و خشونت های خانگی جان خود را از دست داده اند، شش برابر بیشتر از آمار است که پلیس هندی می گوید. خشونت های خانگی برای زنان هندی مشکل عمده ای به حساب می آید. در هندی برخی مواقع زنان را بر سر مناقشات جهیزیه می کشند. محققان این گزارش می گویند زنان جوان در هندی به خصوص در حدسنی پانزده تاسی و چهار ساله در معرض خطر هستند. این گزارش می افزاید در موارد بسیاری زنان توسط خانواده شوهر به عمد به آتش کشیده می شوند اما این قبیل حوادث نزدیک به عنوان قتل ثبت نمی شود و تنها به عنوان حادثه از آنها نام گرفته می شود (سایت فارسی بی بی سی- 2-3-2009). "همچنان سالانه در هندی بیش از ده میلیون جنین مئونت (به منظور خلاصی فامیل ها از دادن جهیزیه) به عمد سقط می شوند.

در زمره کشورهای تحت سلطه زنان در افغانستان به شدت از ستم مردسالاری رنج برده و قربانی احکام مذهبی و سنن فئودالی و قبیله ای حاکم بر جامعه اند. خاصاً در سی سال اخیر که افغانستان بوسیله مشتکی جانی و مزدور (گروه های خلقی پرچی و سازانی و گروه های مختلف اسلامی منجمله جهادی ها، طالبان و ملیشه ها و دولت مزدورگری) و قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی حامی آنها به جهنمی مبدل شده و سخیف ترین جنایات و تجاوزات را بر خلق مظلوم ما روا داشته اند. زنان بیش از همه مورد تجاوز، ستم، تعدی و بی حقوقی قرار داشته و دارند. علاوه بر این سده دهه زنان عمدتاً قربانیان این باندهای جنایتکار و مزدور بوده اند. گروگان گیری و تجاوز به زنان بحیث «ناموس» عمدتاً در این سده هدف هریک از این گروه های جانی در انتقام گیری و یا خرید کردن طرف مقابل در جنگهای بین گروهی و بعد از آن قرار گرفته اند. صدها تن از زنان بوسیله این جانپان وحشی اختطاف شده و مورد تجاوز قرار گرفته و بقتل رسیده اند و یا بزور و اعمال فشار مجبور به ازدواجهای ناخواسته و نامناسب شده اند. قابل تذکر است که در جریان جنگ مقاومت مردم افغانستان علیه سوسیال امپریالیست های روسی و مزدوران خلقی پرچی آن صدها زن و دختر جوان در کمپ های پاکستان توسط گروه های اسلامی سایر کشورهای جهان خصوصاً عربها با اشکال و شیوه های گوناگون مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. و گروه های مختلف اسلامی زیر نام "اخوت اسلامی" و با خدعه "فتوای شرعی"، زمینه سوء استفاده های جنسی از ناموس مردم را برای این گروه های وحشی فراهم کرده اند. در طی هفت سال اخیر که قدرتهای امپریالیستی در اتحاد با همه گروه های وطن فروش و جانی زیر شعار «دموکراسی امریکائی»، «حقوق بشر» و «جامعه مدنی» بر مردم افغانستان مسلط شده اند؛ تجاوز و اختطاف و تصاحب زنان بوسیله این باندهای آدمکش و جانی نیز ادامه یافته و حقوق انسانی آنها به شدت پایمال شده است.

زنان- زحمتکش- افغانستان- از جمله ستم دیده ترین، بی- حقوق- ترین- و آسیب پذیرترین- زنان- دنیا- اند. امپریالیست های اشغالگر با کم کردن چند زن اشرافی، زنانی از گروه های خلقی پرچی، سازانی و گروه های اسلامی و عده زنان تحصیل کرده خادم امپریالیسم در مناصب دولتی و پارلمان شب و روز از طریق ماشین تبلیغاتی شان بیشرمانه از تأمین حقوق و مصونیت زنان افغانستان حرف میزنند. در حالیکه زنان زحمتکش این کشور بیش از همه آماج تجاوزات جنایتکاران داخلی و خارجی و ستم و خشونت های خانوادگی اند. در افغانستان خصوصاً در ولایت هرات و قندهار سالانه بیش از یکصد زن با خودسوزی دست به خودکشی میزنند. همین اکنون تعداد زیادی از زنان بادرخواست طلاق بخاطر هائی از ستم و مظالم غیر قابل تحمل شوهران شان در زندان ها بسر می برند.

هم چنان در جوامع دیگر که مردمان آن پیرو ادیان دیگر اند؛ زنان به حکم قوانین دینی از حقوق اجتماعی و انسانی شان محروم شده و به شدت مورد ستم قرار می گیرند. مثلاً "به حکم تورات زن مطلقه حق ازدواج دوباره را ندارد و در اسرائیل این موضوع در شناسنامه زن مطلقه درج می گردد و از جانب فامیل های مذهبی یهود این امر به شدت رعایت می شود."

بنابر ملاحظاتی فوق راه نجات زنان از ستم طبقاتی و ستم مردسالاری و رهائی همه طبقات خلق از ستم و استثمار مبارزه انقلابی است. هیچ مبارزه ضد قوانین زن ستیز و مبارزه فمینیستی و فرورمیستی نمی تواند زنان را از ستم طبقاتی و امپریالیستی و سلطه و ستم مرد نجات داده و حقوق برابر آنها را با مردان تأمین نماید. زنان باید در کارزار مبارزه طبقاتی و ملی در کنار مردان قرار گرفته و به منظور سرنگونی نظم کهن و ایجاد جامعه نوین فارغ از هر نوع ستم و استثمار و بردگی علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنند.